

## فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۱۹، بهار ۱۴۰۱، ص ۳۰-۴۰

### نحوه تعیین مسئولیت پرداخت دیه در فقه و حقوق موضوعه<sup>۱</sup>

یگانه جهان آرا<sup>۲</sup>

#### چکیده

دیه یا خون‌بها از قوانین اسلام است و بر اساس تعاریف فقهی، مال یا پولی است که به سبب کشتن انسان یا نقص عضو به کسی که صدمه دیده‌است یا به بازماندگان او پرداخت می‌شود. در تعریف حقوقی دیه کیفر نقدی است که از مجرم به نفع مجنی‌علیه یا قائم مقام او گرفته شود. میزان دیه از سوی شارع برای جنایت تعیین شده‌است. میزان دیه در دین اسلام برای مرد و زن مسلمان و مردان و زنان سایر دین‌های آسمانی متفاوت است. بنابر یک دیدگاه دیه دارای ماهیتی کیفری است و هدف از تشریح آن تنبیه جانی است و از این رو با مجازات‌های مالی (جزای نقدی) که در نظام‌های حقوقی وجود دارد، قابل مقایسه است. این پژوهش که بصورت توصیفی تحلیلی می‌باشد به بررسی نحوه تعیین مسئولیت پرداخت دیه در فقه و حقوق موضوعه می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: دیه، فقه، حقوق، کیفر.

---

<sup>۱</sup> - تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۷

<sup>۲</sup> - کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد بم، دانشگاه آزاد اسلامی، بم، ایران.

## مقدمه

دیه یکی از مهم ترین احکام و موضوع های بحث برانگیز در فقه و حقوق اسلامی است که از جنبه های گوناگون، مورد توجه صاحب نظران، فقیهان، مفسران و حقوقدانان اسلامی قرار گرفته است. جنبه هایی همچون کیفیت تشریح دیه (تأسیسی یا امضایی)، مابازاء و اجناس دیه، و این که تعیینی اند یا تخییری، نقش خطایی یا عمدی بودن جنایت در مقدار دیه، ایام موجب تغلیظ دیه، دیه؛ زن، رد فاضل دیه؛ مرد، و فلسفه و حکمت تنصیف دیه؛ زن. (میرمدرس، ۱۳۹۲)

ماهیت دیه از مقولاتی است که در دوران معاصر، جزو دل مشغولی های پاره ای از صاحب نظران فقه و حقوق اسلامی قرار گرفته است؛ اما در آثار قدما و متأخران فقیهان شیعه، کمتر مود عطف نظر بوده است و با صراحت درباره؛ آن اظهار نظری نکرده اند؛ با این حال می توان دیدگاه برخی از آنان مانند شهید اول و فخرالمحققین را از مباحث دیگرشان استنباط کرد. البته بر خلاف فقهای گذشته؛ شیعه، پاره ای از معاصران به روشنی درباره؛ ماهیت دیه، ابراز رأی نموده و آن را جبرانی یا توأمان جبرانی و جزایی انگاشته اند. فقیهان اهل سنت مانند شمس الدین سرخسی، عبداللله بن قدامه و ابن عربی هم با صراحت اظهار نظر کرده و ماهیت دیه در قتل خطایی را صرفا جبرانی دانسته اند. حقوقدانان معاصر ایران نیز عمدتا دیه را از مجازات های مالی یا نقدی تلقی کرده اند؛ ولی بسیاری از حقوقدانان معاصر عرب مانند عبدالقادر عوده و احمد فتیحی بهنسی به ماهیت دوگانه متمایل شده اند.

## پیشینه پژوهش

در پژوهشی با عنوان ماهیت نهاد دیه از منظر فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران که توسط احمد امی نوشته شده است به این نتیجه رسیده است که: دیه به اعتبارهای گوناگون در هر جایی ممکن است جنبه کفیری داشته باشد یا جنبه مدنی و یا هر دو. در نهایت در مواردی، جنبه کیفری آن بر جنبه مدنی اش غلبه دارد و پررنگ تر است و در مواردی دیگر جنبه مدنی آن رجحان دارد و در مواردی نیز هر دو جنبه کیفری و مدنی به یک اندازه در آن نقش ایفا می کند و در هر حال در کلیه موارد و حالات، دیه همچنان ماهیت دوگانه خود را حفظ خواهد کرد. در پژوهشی با عنوان مسئولیت مدنی بیت المال در پرداخت دیه مغلظه با مطالعه تطبیقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰-۱۳۹۲ که توسط ره پیک و عزیزانی نوشته شده است به این نتیجه رسیده اند که:

اگر جنایت ارتكابی دارای شرایط تغلیظ باشد بیت المال هم مثل جانی و عاقله مسئولیت پرداخت دیه مغلظه را برعهده دارد. و مواد قانونی که پرداخت دیه را از بیت المال مورد اشاره داده از جهت شخص پرداخت کننده اطلاق دارد یعنی گفته است دیه از بیت المال پرداخت شود حال دیه به هر مقداری که باشد تفاوتی ندارد چرا که دیه حق وراثت است و در صورت مطالبه ورثه باید پرداخت شود چه قاتل پرداخت کننده چه بیت المال و حتی تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بر اساس اطلاق ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی سابق می بایست حکم به پرداخت دیه مغلظه توسط بیت المال صادر می شد.

در پژوهشی با عنوان مفهوم و ماهیت دیه از منظر فقه و حقوق اسلامی که توسط میر مدرس نوشته شده است به این نتیجه رسیده است که: دیه را در جنایت عمدی و شبه عمد، دارای ماهیت دوگانه دانست، یعنی هم جبران خسارت مالی است و هم مجازات و عقوبت جانی، ولی در خطای محض، تنها جبران خسارت مالی است.

#### دیه در اصطلاح فقه و فقها

فقیهان اسلام با عبارات و واژگان نزدیک به هم، تعاریف گوناگونی از دیه بیان کرده اند. بسیاری از فقیهان مکتب اهل بیت (ع) به ویژه فقیهان متأخر، در واژگان مشترکی، دیه را چنین تعریف کرده اند: «دیه، مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا پایین تر از نفس انسان آزاد واجب می شود نجفی، ۱۴۰۴، ۲/۴۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۵۹/۲۹؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۲، ۵۸۰/۲).

دیه، در برابر ارش است؛ زیرا دیه، مختص به موردی است که دارای مقدار معین شرعی باشد، اما ارش در اصطلاح فقیهان «به مالی گفته می شود که به جای نقصان مالی یا بدنی وارد شده، گرفته می شود و دارای مقدار شرعی نباشد». (روحانی، ۱۴۲۰، ۱۸۶/۲). با این حال، مراد از عنوان دیات در کتاب های فقهی، شامل دیه و ارش، هر دو، می شود.

آشکار است که تعریف مشهور فقیهان از دیه، خالی از کاستی و برکنار از مناقشه نیست؛ از این رو، باید دانست که از نظر واژگانی، دیه مالی است که درباره کشته شده؛ به ناحق پرداخت می شود و از حیث اصطلاح، غرامت مالی دارای مقدر شرعی است که در اثر تعدی بر انسانی که شرعا مستحق تعدی نیست، به صاحب حق، پرداخت می شود؛ و بدین سان میان معنای لغوی و اصطلاحی آن، تناسب مشهودی وجود دارد. (میر مدرس، ۱۳۹۲)

## دیه به عنوان نهاد جبران خسارت

در میان صاحب نظران و حقوقدانان، عده ای قائل اند که دیه ماهیتی صرفاً مدنی دارد. از نظر اینان، دیه برای جبران ضرر و زیان های بدنی تعیین شده است، نه چیز دیگر. از این رو از دیه با عنوان «غرامت مالی» تعبیر آورده اند (Mohaghagh Damad SM, ۱۹۸۵). در نظر برخی از حقوقدانان دیه را باید از قبیل تأدیه خسارت و جبران ضرر و زیان به شمار آورد که جنبه حقوقی و مالی دارد، نه کیفری و جزایی (Gorgi A. Diat, ۱۹۹۶). در دیدگاه این گروه، دیات ضمان مدنی است، یعنی دیه، خواه در عوض قتل یا ضرب و جرح عمدی باشد که اولیای دم با مصالحه با جانی به جای قصاص خواستار آن گردیده اند و خواه در قبال قتل یا ضرب و جرح شبه عمد یا خطا باشد، در هر صورت، جنبه مدنی دارد و خسارت است، نه مجازات (Mohaqeq Damad M, ۱۹۸۹).

## دیه به عنوان مجازات

در مقابل طرفداران دیدگاه ماهیت مدنی دیه، عده ای از حقوقدانان نیز به «مجازات بودن دیه» معتقدند. به نظر اینان، دیه صرفاً یک کیفر جزایی است. از این رو برخی از آن به «کیفر نقدی» تعبیر کرده اند (Jafari, ۱۹۹۶). Langrodi MJ, ۱۹۹۶ البته باید گفت که طبق این دیدگاه، دیه در جنایات شبه عمد و خطا، کیفر اصلی مرتکب است، ولی در جنایات عمد، اگر اولیای مقتول یا شخص مجنی علیه با جانی به جای قصاص، در پرداخت دیه توافق و مصالح کنند، کیفر بدلی شمرده می شود (Feiz AR, ۱۹۸۲).

## تفکیک در ماهیت دیه

بعضی احتمال دیگری را درباره ماهیت دیه مطرح کرده اند. این احتمال که ماهیت دیه در همه موارد یکسان نیست، بلکه در حالت های مختلف، ماهیت جداگانه ای دارد. مهم ترین دلیلی که سبب شده این گروه، در ماهیت دیه به تفکیک معتقد شوند، ویژگی ها و خصوصیات مندرج در دیه است، به طوری که آن را چنان نموده که برخی از ویژگی های مجازات و برخی از خسارات را در بر دارد. از این رو تمام دلایل مورد تمسک طرفداران مجازات محض بودن دیه و طرفداران ضمان مدنی بودن دیه در اثبات نظر خود، صحیح به نظر میرسد. به همین سبب، طرفداران تفکیک در ماهیت دیه، از طرفی برای جمع میان این دو گروه و رفع انتقاد های وارد بر هر

نظریه و از طرف دیگر، به سبب حالات مختلفی که دیه دارد (دیه بدل از قصاص، دیه ناشی از شبه عمد و دیه ناشی از خطای محض)، دیدگاه تفکیک در ماهیت دیه را مطرح کرده اند. در مورد چگونگی این تفکیک در ماهیت دیه، آرای مختلفی ارائه شده است.

#### ۱- از حیث مسؤول پرداخت دیه

از منظر این که مسؤول پرداخت دیه چه کسی است، می توان میان دو نوع از انواع دیات تمیز قائل شد و تمیز مزبور موجب تمیز در ماهیت آن نیز خواهد بود:

اول، دیه ای که از سوی غیر جانی، مانند عاقله یا از بیت المال پرداخت می شود. این دیه، ماهیت خسارت بودن را دارد و شائبه مجازات بودن در آن راه ندارد، زیرا هدف چنین دیه‌های جبران خسارت های وارد بر مجنی علیه است، نه تنبیه عاقله. همچنین پرداختن دیه از سوی عاقله نه هدف مادی مجازات را تأمین می کند، نه هدف اخلاقی آن را؛

دوم، دیه ای که از سوی شخص جانی پرداخت می شود. این دیه، خسارت کیفری است، یعنی چیزی که برخی از ویژگی های خسارت و نیز برخی از ویژگی های مجازات را دارد، چون خسارت است، سبب می شود که نتوان آن را مجازات محض به شمار آورد، مثلاً نمی توان آن را به صندوق دولت واریز کرد یا آن را بر ترکه متوفی تحمیل نکرد و چون مجازات است، نمی توان آن را خسارت محض دانست، مثلاً نمی توان قاتل را در قبال عدم پرداخت آن بازداشت نکرد یا میزان معین و ثابتی برای آن قرار نداد.

#### ۲- از حیث اصلی یا بدل بودن دیه

احتمال دیگر برای تفکیک در ماهیت دیه، آن است که دیه بدل از قصاص (اعم از قهری یا قراردادی) مجازات مالی به شمار می رود، اما در سایر موارد خسارت محض است.

#### ۳- از حیث منشأ ایجاد دیه

احتمال سوم، این است که دیه، چنانچه ناشی از جرم باشد، مجازات است، اما اگر ناشی از شبه جرم باشد، خسارت است.

اشکال وارد بر هر سه احتمال مذکور، آن است که ماهیت دیه را منفک می کند، چراکه اگر دیه، خسارت است، باید در همه جا خسارت و اگر مجازات است، در همه جا باید مجازات باشد و اگر هر دو خصوصیت را دارد، در همه جا باید به همین شکل باشد و نمی توان در موارد مختلف، همچنان که دیدیم، به تفکیک قائل شد (Zeraat A, ۱۹۹۵)

### مستندات روایی و فقهی مسئولیت بیت المال در دیه مغلظه

روشن است که تغلیظ دیه و مسئولیت بیت المال در پرداخت آن، مسئله ای عقلی یا عرفی محض نیست که به تنهایی و بدون استناد به دلایل شرعی آن را ثابت نمود. عمده ترین دلیل که در کتب فقهی برای حکم تغلیظ دیه ذکر کرده اند وجود روایاتی است که از ائمه اطهار (ع) به ما رسیده است:

۱- محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن کلیب الاسدی، قال: سألت ابا عبد... علیه السلام عن الرجل یقتل فی الشهر الحرام، ما دیته؟ قال: «دیه و ثلث»

کلیب اسدی می گوید از امام صادق درباره مردی که در ماه حرام کشته می شود و در مورد میزان دیه ی آن اختلاف نظر وجود دارد پرسیدم که دیه اش چیست؟ حضرت فرمود: یک دیه به علاوه یک سوم دیه آن شخص می باشد. این روایت از حیث دلالت پسندیده و مقبول است و در بیشتر کتب فقهی و روایی از جمله کافی و تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه نقل شده است. روایت کلیب اسدی اطلاق دارد و همان طور که از متن روایت به وضوح قابل استفاده است هیچ گونه قیدی برای خارج کردن بی تالمال برای پرداخت دیه مغلظه وجود ندارد و اطلاق روایت کلیب اسدی اقتضادارد که هر گاه شخصی که در ماه حرام یا حرم مکه به قتل رسیده است دیه تغلیظ شود بدون اینکه امام صادق (ع) در خصوص شخص مسئول پرداخت کننده دیه سؤالی کند، به صورت مطلق حکم به پرداخت دیه به همراه یک سوم را صادر نمودند. مرحوم صاحب جواهر در توضیح و شأن روایت کلیب از امام صادق در کتاب جواهر الکلام آورده اند: «حتی اگر تنها روایت کلیب اسدی در خصوص تغلیظ دیه وجود داشت بازهم برای اثبات حکم تغلیظ کفایت می کرد» بنابراین روایت کلیب اسدی بدون هیچ گونه اشکالی م ی تواند برای اثبات مسئولیت بیت المال نسبت به پرداخت دیه مغلظه مورد استناد قرار بگیرد.

۲- روایت ابان عثمان از زراره: «قلت لابی جعفر علیه السلام رجل قتل فی الحرم؟ قال: رجل قتل فی الحرم؟ قال: علیه دیه و ثلث». از امام باقر (ع) در خصوص مردی که در حرم به قتل رسیده بود سؤال شده که امام باقر (ع)

بدون اشاره به شخص پرداخت کننده به صورت مطلق علاوه بر دیه اصلی، یک سوم دیه را وارد دانستند؛ و از متن این روایت هم به روشنی می توان حکم تغلیظ دیه و مسئولیت بیت المال را استنتاج نمود.

۳- « و فی روایة زرارة عن ابی جعفر(ع): قال سألته عن رجلاً خطا فی شهر؛ قال: تُغَلِّظُ علیه الدیه و علیه عتق رقبه او صیام شهرین...»

در روایت دیگری از امام باقر(ع) در مورد مردی که دیگری را از روی خطا در ماه حرام به قتل رسانده بود سؤال شده بود که امام باقر(ع) جواب دادند: دیه ای که بر عهده پرداخت کننده است تغلیظ می شود و همچنین بر اوست که بنده ای را آزاد کند و یا دو ماه متوالی روزه بگیرد. این روایت هم بدون اشاره به شخص پرداخت کننده به صورت مطلق، قتل در ماه حرام را موجب تغلیظ دیه دانسته است همچنین از این روایت قابل استخراج است که امام باقر(ع) حکم تغلیظ دیه را حتی در قتل خطایی قابل تسری دانسته اند و تسری دلیلی که عده ای برای عدم مسئولیت بیت المال در دیه مغلظه و جنبه تشدید تغلیظ آورده اند با این روایت به راحتی رد می شود چرا که در قتل خطایی مرتکب قصدی ندارد و این در تایید نظری است که تغلیظ، صرفاً تشدید مجازات نیست. (ره پیک و عزیزبانی، ۱۳۹۶)

۴- روایت: «محمد بن الحسن با اسناد عن ابی عمیر عن زراره قال: قلت لابی جعفر علیه السلام رجل قتل فی الحرم؟ قال: علیه دیه و ثلث و یصوم شهرین متتابعین فی اشهر الحرم» مفاد این روایت هم به وضوح دلالت بر اطلاق درپرداخت دیه مغلظه از سوی پرداخت کننده را دارد.

مرحوم شیخ طوسی(ره) در خصوص روایاتی که اهل سنت برای تغلیظ دیه بیان کرده اند آورده است: «روی عن عمر بن الخطاب أنه قال: من قتل فی الحرم او قتل ذالرحم محرم او قتل فی اشهر الحرم فعليه دیه و ثلث». شیخ طوسی(ره) در کتاب خلاف به روایتی از عمر بن خطاب اشاره کرده که هر کس دیگری را در حرم به قتل برساند یا یکی از محارم را بکشد یا در ماه های حرام دیگری را بکشد دیه کامل و ثلث آن بر او واجب می شود. اگرچه ظاهر روایت دلالت به شخص جانی درپرداخت دیه دارد اما باتوجه به دلایل و روایات قبلی و از باب جانشینی بیت المال، میتوان حکم مزبور را قابل تسری به بیت المال دانست. در بین اهل سنت هم اعتقاد به مسئولیت بیت المال در پرداخت دیه مغلظه وجود دارد.

مرحوم حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله که ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی سابق از آن اقتباس شده بود چنین آورده اند: «لو ارتكب القتل فی الشهر الحرم: رجب و ذی القعدة و ذیالحجه و المحرم فعليه الدیه و ثلث من ای الا جناس کان تغلیظاً و کذا لو ارتکبه فی الحرم مکة المعظمه و لا يلحق بها حرم المدينة المنوره و لاسائر المشاهد المشرفه» ظاهر این عبارت حضرت امام خمینی (ره) مشابه جمله بالا دلالت بر شخص مرتکب قتل دارد اما از مجموع روایات و دلایل ذکر شده و اینکه بیت المال بنا به مصالح و حفظ خون مسلمان، جانشین جانی در پرداخت دیه مغلظه می شود حکم مسئولیت بیت المال در پرداخت دیه مغلظه قابل استنباط است.

مرحوم صاحب جواهر در جواب عده ای که اصل را عدم تغلیظ دیه می دانند می فرمایند عام بودن عبارت برخی از روایات این اصل را از بین نمی برد و فقها به عموم حکم تغلیظ دیه تصریح کرده اند و اطلاق به قرینه مقام به معنای عموم است. شهید ثانی نیز در شرح لمعه با توجه به روایات، به صورت مطلق قتل در ماههای حرام و حرم مکة را موجب تغلیظ دیه می دانند: «لو قتل فی الشهر الحرام و ... او فی الحرم الشریف المکی زید علیه ثلث دیه» گرچه ظاهر مفاد عبارت شهید ثانی هم دلالت بر شخص جانی دارد ولی همان گونه که گفته شد با دلایل قبلی و موضوع جانشینی بیت المال، شبهه رفع می شود. (ره پیک و عزیزانی، ۱۳۹۶)

### پرداخت دیه از بیت المال مذکور در قانون

مشخص نبودن قاتل در موارد غیر قسامه:

ماده ۲۵۵ (ق م ا) مقرر میدارد: «هرگاه شخصی در اثر ازدحام کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قرائن ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد، حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال بدهد.» طبق این ماده در دو مورد که قاتل مشخص نیست، پرداخت دیه بر عهده بیت المال گذشته شده است. نخست آنکه شخص در ازدحام کشته شود و قاتل معلوم نباشد. دوم آنکه جسد مقتول در شارع عام پیدا شود. برخی با توجه به ظاهر ماده بر این عقیده شده اند که حکم این ماده منحصر در همین دو مورد است، زیرا این حکم یک استثناءست و در موارد استثناء باید به متیقن اکتفا کرد و مقدار متیقن همین دو موردی است که به صراحت بیان شده است. (زراعت، ۱۳۸۰)



## پرداخت دیه توسط بیت المال غیر مذکور در قانون

### اجرای حد یا تعزیر موجب قتل

در این زمینه در بین فقها دو دیدگاه است دیدگاه اول: مسئول پرداخت بیت المال است. به طور مثال در استفتائی که از مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی شده است، ایشان یکی از موارد پرداخت دیه توسط بیت المال را این می دانند که اجرای حد یا تعزیر سبب قتل شود (کرمی، ۱۳۷۷) مستند این قول این روایت می باشد: «حسن ابن صالح الثوری عن ابی عبدالله (ع) قال: سمعته یقول: من ضربناه حدا من حدود الله فمات فلا دیة له علينا و من ضربناه حداً من حدود الناس فمات فإن دیته علينا» (حر عاملی، ج ۱۹، ص ۴۶) البته روایت فقط این مقدار دلالت می کند که اگر حد از حدود الناس باشد، دیه بر عهده بیت المال است و اگر از حدود الله باشد، دیه ندارد.

دیدگاه دوم: اگر اجرای حد و تعزیر موجب قتل شود، دیه ندارد. از جمله کسانی که به این مسئله تصریح نموده اند، مرحوم خوئی است (خوئی، ج ۲، ص ۲۱۲) مستند این قول، روایات زیادی که بر این مطلب دلالت می کند، که برای نمونه: «عن الحلبي عن ابی عبدالله (ع) قال ایما رجل قتله الحد أو القصاص فلا دیة له» مرحوم صاحب وسایل پس از ذکر این حدیث می نویسد: «و تقدم ما يدل علی ذالک و یاتی ما يدل علیه» (خوئی، ج ۲، ص ۲۱۲) نکته قابل توجه این است که روایت دلالت میکند بر اینکه هم قتل ناشی از حد و هم قتل ناشی از قصاص هیچکدام دیه ندارد، یعنی هم حدود الله و هم حدود الناس.

ارزیابی دو دیدگاه: مستند قول اول تنها روایت حسن بن صالح ح الثوری است که این شخص ضعیف است. در مقابل نظر دوم روایات متعددی دارد که صحیح می باشد.

مرحوم خوئی در این زمینه بیان می دارد: «و فیه ان الروایه لضعف سندها بالحسن بن صالح الثوری لا یمکن الاستدلال بها و الاعتماد علیها فی استنباط الحکم الشرعی اصلاً فالنتیجه انه لا دیه له اصلاً» (خوئی، ج ۲، ص ۲۱۳)

### نتیجه گیری

از بررسی احادیث و روایات و نظرات فقها و قانون گذار به این نتیجه میرسیم که اگر جنایت ارتكابی دارای شرایط تغلیظ باشد بیت المال هم مثل جانی و عاقله مسئولیت پرداخت دیه مغلظه را برعهده دارد. و مواد قانونی که پرداخت دیه را از بیت المال مورد اشاره داده از جهت شخص پرداخت کننده اطلاق دارد یعنی گفته است دیه از بیت المال پرداخت شود حال دیه به هر مقداری که باشد تفاوتی ندارد چرا که دیه حق وراثت است و در صورت مطالبه ورثه باید پرداخت شود چه قاتل پرداخت کننده چه بیت المال و حتی تا قبل از تصویب قانون

مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بر اساس اطلاق ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی سابق می بایست حکم به پرداخت دیه مغلظه توسط بیت المال صادر می شد چرا که بیت المال جانشین فرد جانی در پرداخت دیه است و هر آنچه که بر جانی تعلق می گیرد بر بیت المال نیز تعلق خواهد گرفت و جایی برای اجرای اصل برائت بیت المال اقتضا دارد که عدم پرداخت دیه مغلظه توسط بیت المال به معنای هدر « لا یهدر دم المسلم » در پرداخت دیه مغلظه وجود ندارد و اطلاق قاعده فقهی رفتن بخشی از خون مسلمان است و اینکه دیه مغلظه متعلق به اولیای دم و حق آن هاست و فرقی بین پرداخت کنندگان نیست و در هر حال باید پرداخت شود حتی اگر حکمت تغلیظ دیه هتک حرمت باشد.

هر چند جان انسان قابل ارزیابی با مال نیست، ولی به دلیل جبران خسارت وارده بر مجنی علیه و اولیای دم، و به دلیل تشفی خاطر آنها، شارع مقدس پرداخت دیه را لازم دانسته است. اصل مسئولیت پرداخت دیه بر عهده جانی است، ولی در مواردی این مسئولیت بر عهده غیر جانی قرار گرفته است. در مواردی که پرداخت دیه توسط جانی یا عاقله او با مشکل مواجه شود، برای پایمال نشدن خون مؤمن، بیت المال عهده دار پرداخت دیه است.

#### منابع

میرمدرس، سیدموسی، مفهوم و ماهیت دیه از منظر فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۲

امی، احمد، ماهیت نهاد دیه از منظر فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران، ۱۳۹۶

ره پیک، سیامک، عزیزبانی، مجید، مسئولیت مدنی بیت المال در پرداخت دیه مغلظه با مطالعه تطبیقی در قانون

مجازات اسلامی ۱۳۹۲-۱۳۷۰، ۱۳۹۶

زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی بخش قصاص، چاپ اول، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰

کرمی، محمد باقر، مجموعه استفتائات فقهی و نظریات حقوقی راجع به قتل، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷

خوئی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، بیروت، دارالزهراء

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائ لالشیعہ، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۸(ق)

Mohaghigh Damad SM. Legal Articles. Tehran: Tehran University; ۱۹۸۵. p.۵۴-۵۶. [Persian]

Gorgi A. Diat. Tehran: Tehran University; ۱۹۹۶. p.۱۸۷. [Persian]

Mohaqeq Damad M. Juridical Rules (Criminal Part). Tehran: Islamic Sciences Center; ۱۹۸۹. p.۲۵۴-۲۵۶. [Persian]

Feiz AR. Roots of Figh and Principles. Tehran: Tehran University; ۱۹۸۲. p.۱۲۴. [Persian]

Jafari Langrodi MJ. Law Terminology. Tehran: Ganje Danesh; ۱۹۹۶. p.۸۹-۹۲. [Persian]

Zeraat A. Explanation of Islamic Criminal Law. Tehran: Qoqnos; ۱۹۹۵. p.۱۲۲-۱۲۳. [Persian]